

## آزادی مطبوعات در ایران و انگلیس

(بررسی و تطبیق اصول حاکم بر رویه محاکم مطبوعاتی ایران و انگلیس)

شقایق تقوی‌نیا<sup>۱</sup>، منوچهر توسلی نائینی<sup>۲</sup>، محمد شریف‌شاهی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: 1403/03/08

تاریخ دریافت: 1402/12/23

### چکیده:

اگرچه طبق برخی قوانین موضوعه خاص و عام در ایران و انگلستان، کلیه محاکم مطبوعاتی، مقید و ملزم به رعایت اصول کلی دادرسی می‌باشد ولیکن گاهی در موارد خاص به نظر می‌رسد به‌علت عدم وجود ضمانت اجرای کافی، امکان تخطی و سرپیچی از این اصول، متحمل است. این پژوهش با روش کیفی و کتابخانه‌ای انجام شده و مباحث به‌صورت توصیفی - تحلیلی به تحلیل رعایت اصول دادرسی عادلانه در رویه قضایی محاکم مطبوعاتی ایران و محاکم انگلیس می‌پردازد. پرسش این پژوهش این است که اصول دادرسی عادلانه در رویه قضایی محاکم مطبوعاتی ایران و محاکم انگلیس چگونه رعایت شده است؟ وجود محاکم خاص مطبوعاتی، در برخی کلان‌شهرها چه در مرحله تحقیق (دادسرای رسانه) و چه در مرحله صدور حکم (برخی شعب دادگاه کیفری یک استان تهران) همچنین تدوین و تنظیم قوانین مطبوعاتی طی تاریخ معاصر ایران، حاکی از توجه خاص و ویژه به حقوق مطبوعاتی و رسیدگی جرائم مربوط به آن است، سیر تشکیل و تکوین حقوق در انگلستان و بررسی تاریخی حقوق انگلیس نشان می‌دهد که حقوق انگلیس در جریان عمل ایجاد شده و از طریق آراء قضایی شکل گرفته است. نتایج نشان می‌دهد در قوانین کیفری ایران و انگلیس، ممنوعیت‌های مرتبط با ضبط و انتشار غیرقانونی پرونده‌های دادگاه و حفظ آزادی مطبوعات موردبررسی قرار گرفته است. در این دو کشور، تعریف مشخصی از جرم مطبوعاتی وجود ندارد و رسیدگی به تخلفات مطبوعاتی در محاکم عادی انجام می‌شود. همچنین، هیئت منصفه در هر دو کشور نقش نظارتی و مشورتی در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی دارد.

### واژگان اصلی:

اصول دادرسی عادلانه، رویه قضایی، مطبوعات ایران، انگلیس.

1. دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، ایران
2. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
3. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

## 1) مقدمه و بیان مسئله

رسانه‌ها و مطبوعات رسانه‌ها و مطبوعات اغلب مطالب و مطالبات شخصی خود را بیان نمی‌کنند، بلکه تمام یا بخش زیادی از مطالبات جمعی و عمومی را بیان می‌کنند بنابراین اگر در این زمینه قانون‌شکنی کنند، اغلب برای اهداف شخصی و سودآور این کار را انجام نمی‌دهند. جستجوی هدف عملی که در مطبوعات جرم تلقی می‌شود ممکن است در برخی موارد جرم عادی باشد مثلاً اگر شخصی با انتشار آگهی از طریق مطبوعات مرتکب کلاهبرداری در سطح وسیع شود، در این صورت باید گفت که مطبوعات وسیله ارتکاب جرم است که در این صورت مدیر مسئول و نویسنده مسئول هستند؛ و در اینجا می‌توان آن جرم را به‌عنوان بعدی، جرم عمومی تعریف کرد. در واقع تعقیب مدیر و نویسنده مسئول جرم مطبوعاتی محسوب می‌شود اما این مشکل مانع از تعقیب یک فرد به‌عنوان یک جرم عادی نخواهد شد. در مواردی که عملی در مطبوعات به‌عنوان جرم تلقی می‌شود ممکن است در واقع جرم عمومی باشد. به‌عنوان مثال اگر شخصی از طریق مطبوعات به کلاهبرداری بپردازد مسئولیت این عمل بر عهده مدیر مسئول و نویسنده مطبوعات است و از نظر تعقیب و پیگیری، جرم مطبوعاتی محسوب می‌شود و مسئولیت اصلی انتشار مطالب در روزنامه بر عهده صاحب‌امتیاز و مدیر مسئول است. بر اساس قوانین مطبوعات، مدیر مسئول به‌وضوح مسئول آنچه در مطبوعات منتشر می‌شود و نویسنده نیز در صورت تخلف از قوانین قابل تعقیب و مجازات است مانند توهین به مدیریت یا مراجع تقلید مختلف.

در سال ۱۳۶۴ خبرنگاری که خبر کذب را گزارش می‌کرد در صورت وقوع جرم در دادگاه علنی قابل تعقیب بود بنابراین، سردبیر خبرنگار سردبیر و ماشین‌تحریر تنها در صورتی مقصرند که مشمول عناوین مجرمانه قانونی باشند به‌عنوان مثال اگر شخصی نشریه‌ای را منتشر کند که حاوی محتوا یا اشکالی باشد که خلاف اخلاق و اخلاق عمومی باشد در این‌گونه موارد این افراد نیز مسئول هستند، اما مسئولیت کیفری اصلی بر عهده مدیر مسئول است (مرتضوی، ۱۳۸۳: ۵۶-۵۸)؛ بنابراین بهره‌مندی آن‌ها از اصول دادرسی کمترین تبعیض مثبتی است که می‌توان در نظر گرفت. با این حال نویسنده پژوهش بدون توجه به مباحث نظری بیان‌شده در جستجوی انگیزه‌های عملی موضوع زیر را برگزیده است. رسانه‌ها و مطبوعات نقش بسیار مهمی در تأثیرگذاری بر زندگی جمعی دارند و نیاز به تفکر و پژوهش بیشتر در این زمینه وجود دارد با گسترش جوامع و تغییر شکل حکومت به سمت دموکراسی، نیاز به وسیله‌ای برای بیان مطالبات جامعه و نقد عملکرد حاکمان وجود دارد. رسانه‌ها و مطبوعات به‌عنوان

ابزاری برای بیان این مطالبات و نقدها عمل می‌کنند اما باید قواعد و رویه‌های دادرسی مبتنی بر اصول دادرسی عادلانه را رعایت کنند. اگر این اصول در رسانه‌ها و مطبوعات رعایت نشود ممکن است دولت یا قوه قضائیه به صورت مغرضانه در این موارد دخالت کنند. اصل تفکیک قوا امری اجتناب‌ناپذیر است و باید رعایت شود تا از دخالت‌های مغرضانه جلوگیری شود.

### طرح مسئله

در این بخش به سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق پرداخته شده است.

### سؤال اصلی

– اصول دادرسی عادلانه در رویه قضایی محاکم مطبوعاتی ایران و محاکم انگلیس چگونه رعایت شده است؟

### سؤال‌های فرعی

1. نقاط قوت در رعایت اصول دادرسی عادلانه در قوانین و رویه قضائی ایران و انگلیس کدام است؟

2. نقاط ضعف در رعایت اصول دادرسی عادلانه در قوانین و رویه قضائی ایران و انگلیس کدام است؟

3. چه پیشنهادهایی در جهت اصلاح و تغییر قوانین و رویه‌های موجود، راهگشا است؟

### فرضیه اصلی

– اگرچه طبق برخی قوانین موضوعه خاص و عام در ایران و انگلستان، کلیه محاکم مطبوعاتی مقید و ملزم به رعایت اصول کلی دادرسی، است ولیکن گاهی خاص به نظر می‌رسد به علت عدم وجود ضمانت اجرای کافی، امکان تخطی و سرپیچی از این اصول، متحمل است.

### فرضیه‌های فرعی

1. وجود محاکم خاص مطبوعاتی در ایران و انگلستان همچنین تدوین و تنظیم قوانین مطبوعاتی طی تاریخ معاصر ایران، حاکی از توجه خاص و ویژه به حقوق مطبوعاتی و رسیدگی جرائم مربوط به آن است سیر تشکیل و تکوین حقوق در انگلستان و بررسی تاریخی حقوق انگلیس نشان می‌دهد که حقوق انگلیس در جریان عمل ایجادشده و از طریق آراء قضایی که

تشکیل سابقه قضایی مطبوعاتی دارد، شکل گرفته است.

2. وجود برخی خلاهای قانونی در جهت تضمین اجرا قانون مطبوعات و همچنین عدم وجود محاکم تخصصی و ویژه رسیدگی به جرائم مطبوعاتی به صورت گسترده و فراگیر به عنوان نقاط ضعف این عرصه در حقوق ایران و انگلستان تلقی می‌گردد.

3. تدوین و تصویب آئین دادرسی ویژه رسیدگی به جرائم مطبوعاتی همچنین تخصصی شدن محاکم رسیدگی به این دسته از جرائم و همچنین بهره‌گیری از تجارب محاکم انگلستان در این زمینه خالی از فایده نیست.

### مواد و روش‌ها

این پژوهش از روش کیفی و کتابخانه‌ای استفاده می‌کند و رویکرد توصیفی - تحلیلی دارد. در این پژوهش نویسنده مباحث را توضیح می‌دهد و به طرح نقاط مبهم و پرسش‌هایی برای تکمیل مباحث می‌پردازد. داده‌ها و اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری می‌شوند. در این پژوهش، مبانی حقوقی موردبررسی قرار می‌گیرند و واقعیت‌های موجود در نظریه‌ها تحلیل می‌شوند، نه در مقام تعیین آرمان‌ها و بایسته‌ها این پژوهش صرفاً به تبیین توصیف تحلیل و مقایسه نظریه‌های حقوقی می‌پردازد و تفاوت‌ها و اشتراک‌های آن‌ها را از منظر پژوهشگری بی‌طرف بیان می‌کند.

### رسیدگی به جرائم مطبوعاتی

در نظام حقوقی ایران و انگلیس، رسیدگی به جرائم مطبوعاتی از تفاوت‌های بنیادین برخوردار است. در ایران، جرائم مطبوعاتی عمدتاً در چارچوب قوانین کیفری و مطبوعاتی مانند قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن تعریف شده و رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب است که رویکردی امنیتی-سیاسی دارد. این رویکرد اغلب با محدودیت‌های شدید آزادی بیان و تفسیر موسع از مفاهیمی مانند «اخلال در نظم عمومی» یا «توهین به مقدسات» همراه است. در مقابل، در انگلیس، جرائم مطبوعاتی عموماً در چارچوب قوانین مدنی و کیفری مانند قانون افترا و قانون حقوق بشر بررسی می‌شوند و دادگاه‌ها با تأکید بر اصل آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات، رویکردی متعادل‌تر و مبتنی بر موازین حقوق بشر اتخاذ می‌کنند. محاکم انگلیس همچنین با بهره‌گیری از رویه قضایی پیشرفته، سعی در ایجاد توازن بین آزادی مطبوعات و حمایت از حقوق افراد دارند، درحالی‌که

در ایران، رویه قضایی عمدتاً تابع سیاست‌های حکومتی است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده دو نظام حقوقی متمایز با اصول و ارزش‌های متفاوت در حوزه آزادی مطبوعات است.

### تعریف جرائم مطبوعاتی

در نهایت جرم مطبوعاتی را می‌توان چنین تعریف کرد جرمی که مبتنی بر انتشار مطالبی باشد که خلاف مبانی اسلام یا حقوق عمومی از طریق مطبوعات باشد تفسیر این عناوین و مصادیق آن‌ها در قانون مطبوعات تصریح شده است (آخوندی، ۱۳۶۸: ۱۲).

### جرائم مطبوعاتی در قوانین ایران

با وجود سابقه نودساله قانون‌گذاری مطبوعات و تصویب شش قانون جامع مطبوعاتی و ده‌ها ماده و آیین‌نامه جداگانه در حقوق ایران جرم مطبوعاتی همچنان یکی از اصطلاحات مبهم حقوقی است. تشریفات ویژه جرائم مطبوعاتی مانند حضور هیئت‌منصفه و علنی بودن دادگاه، نقش مطبوعات در صحنه سیاسی کشور و کارکرد تفصیلی مطبوعات و نیز تشکیل یک دادگاه ویژه مطبوعات با حضور هیئت‌منصفه پس از یک دوره ۹۰ ساله اهمیت تعریف جرائم مطبوعاتی را دوچندان می‌کند (کوشا و کرمی، ۱۳۸۵). قبل از انقلاب اسلامی در قوانین مربوط به جرم مطبوعات سه تعریف مختلف ارائه شده بود. قانون هیئت‌منصفه مصوب ۱۳۱۰ جرم مطبوعاتی را به‌عنوان جنایتی که توسط کتاب یا مطبوعات منظم منتشر می‌شود تعریف کرد؛ اما با وجود فضای خفقان سیاسی و اجتماعی آن زمان قانون مطبوعات مصوب 1331/11/15 هجری شمسی به‌عنوان یک قانون نسبتاً جامع و بر پایه اصل بیستم قانون اساسی، جرم علیه مطبوعات را به‌طور دقیق تعریف کرد و مصادیق جرائم مطبوعاتی را از ماده ۱۵ تا ۲۹ شرح داد. این قانون تلاش کرد تا جرم‌های مطبوعاتی را به‌صورت کامل و دقیق تعریف کند و مبتنی بر اصول قانونی منطقی عمل کند.

تعاریف جرائم مطبوعاتی دارای دو اشکال اصلی هستند: ۱- تمرکز بر ابزارهای ارتکاب جرائم به‌جای تعریف ماهیت و ماهیت جرائم مطبوعاتی ۲- تعریف گسترده و کلی که شامل گستره وسیعی از جرائم و مصادیقی که ممکن است جزو جرائم مطبوعاتی نباشند می‌شود به‌عنوان مثال، در قانون تشدید مجازات، ارتشاء سوءاستفاده و کلاه‌برداری افرادی که از رسانه‌های مختلف برای ارتکاب جرم استفاده‌ی کنند مجازات می‌شوند این تعریف در مورد جرم مطبوعاتی به شخص یا اشخاصی از طریق رسانه‌های چاپی در رابطه با مسائل، رسمی اجتماعی یا سیاسی صحبت می‌کند. (عقیقی، ۱۳۸۳: ۱۷)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اگرچه تعریف دقیق و

جامعی از جرائم مطبوعاتی ارائه نمی‌داد، اما ضمانت‌های خاصی را برای رسیدگی به این جرائم پیش‌بینی کرده بود. در لایحه مطبوعاتی سال ۱۳۵۸، تعارضاتی در تعریف جرائم مطبوعاتی مشاهده می‌شد؛ به‌گونه‌ای که ماده ۳۰ آن مقرر می‌کرد جرائم مطبوعاتی توسط هیئت منصفه در دادگاه کیفری مورد رسیدگی قرار گیرند. قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نیز ابهامات موجود در لایحه‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۵۸ را در تعریف جرائم مطبوعاتی حفظ کرد. بر اساس ماده ۳۴ این قانون، جرائم مطبوعاتی می‌بایست در دادگاه صالح و با حضور هیئت منصفه بررسی شوند. با این حال، وجود فصل ششم قانون مطبوعات که جرائم مطبوعاتی را به ۹ جرم محدود کرده بود، این ابهام را ایجاد می‌کرد که آیا شمول ماده ۳۴ تنها به تعریف جرائم مطبوعاتی منحصر است یا شامل جرائم ۹ گانه مذکور در فصل ششم نیز می‌شود. اصلاحیه فروردین ۱۳۵۸ به این مسئله توجهی نکرده بود، اما به نظر می‌رسد این غفلت ناشی از تفسیر اصل ۲۴ قانون اساسی بوده است که بر جامعیت رسیدگی به جرائم مطبوعاتی تأکید دارد. این عدم شفافیت در قوانین، نشان‌دهنده چالش‌های حقوقی در تعیین حدود و ثغور جرائم مطبوعاتی در نظام حقوقی ایران است.

### جرائم مطبوعاتی در قلمرو حقوق فردی در ایران

حمایت از حقوق افراد در مقابل مطبوعات غالباً در قلمرو دفاع از حیثیت و آبروی آنان صورت می‌گیرد. از دستاوردهای عصر خردگرایی یکی هم این است که شخصیت افراد دست‌کم به اندازه جان آن‌ها ارزشمند است و همان‌گونه که قانون‌گذار برای حفظ جان اشخاص جامعه حساس است و مقرراتی وضع کرده برای حفظ مطبوعات به لحاظ گستره توزیع اهمیت بسزایی دارد و قانون‌گذار در مورد جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص و برای رعایت مصالح عمومی جامعه مقررات صریحی وضع کرده است. توهین، هتک حرمت، افترا اشاعه اکاذیب مهم‌ترین عناوین مجرمانه در این زمینه هستند. جرائم مطبوعاتی در قلمرو حقوق فردی بیشتر مربوط به حوزه حیثیت و آبروی افراد می‌شود:

- توهین به اشخاص
- افترا
- نشر اکاذیب
- سایر جرائم

### سیاست قضایی در قلمرو مسئولیت مطبوعاتی

قوانین ناظر بر فعالیت‌های مطبوعاتی، مسئولیت‌های حقوقی مؤثری را برای رسانه‌ها در نظر گرفته‌اند که

به‌طور کلی به دو دسته مسئولیت مدنی مطبوعات و مسئولیت کیفری مطبوعات تقسیم می‌شوند. این دو نوع مسئولیت، اگرچه هر دو ضامن رعایت قانون توسط مطبوعات هستند، اما اهداف و کارکردهای متفاوتی را دنبال می‌کنند؛ مسئولیت کیفری در وهله نخست، ضمانت اجرایی تجاوز به حقوق عمومی و نظم اجتماعی است و شدت آن مستقیماً به میزان اخلاقی بستگی دارد که در نظم عمومی ایجاد می‌شود، درحالی‌که ماهیت مسئولیت مدنی بر جبران خسارات وارده به افراد حقیقی یا حقوقی متمرکز است؛ به‌عبارت‌دیگر، مسئولیت کیفری جنبه عمومی و بازدارنده دارد، درحالی‌که مسئولیت مدنی بر جبران ضررهای فردی تأکید می‌کند و این تمایز ماهوی، اهداف متمایز این دو نظام مسئولیت را نمایان می‌سازد.

### مسئولیت کیفری در جرائم مطبوعاتی در حقوق ایران

مسئله مسئولیت کیفری در جرائم مطبوعاتی از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که ناشی از عوامل متعددی است. دخالت افراد مختلف در فرآیند تولید و انتشار محتوای مطبوعاتی (نظیر نویسنده، صاحب‌امتیاز، مدیرمسئول، سردبیر، خبرنگار و غیره)، حضور هیئت منصفه در رسیدگی به این جرائم، تعدد مراجع قضایی و ویژگی‌های خاص دادرسی مطبوعاتی (مانند علنی بودن جلسات، امکان توقیف موقت یا دستور موقت) همگی به این پیچیدگی دامن می‌زنند و لزوم بررسی دقیق‌تر این حوزه را نمایان می‌سازند (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۶).

در مواجهه با این پیچیدگی، سه نظریه عمده در خصوص مسئولیت کیفری مرتکبان جرائم مطبوعاتی مطرح شده است:

- مسئولیت جمعی: بر اساس این نظریه که ساده‌ترین و قدیمی‌ترین رویکرد (با ریشه‌ای در قانون فرانسه ۱۸۱۹) محسوب می‌شود، تمام افراد دخیل در فرآیند تولید، چاپ، انتشار و توزیع مطلب مجرمانه، اعم از مباشر، شریک و معاون، دارای مسئولیت کیفری هستند (گارو، ۱۳۶۰: ۱۹۲). پذیرش این نظریه، حس مسئولیت‌پذیری را در تمامی دست‌اندرکاران صنعت چاپ و نشر تضمین می‌کند.
- مسئولیت ترتیبی (سلسله‌مراتبی): در این نظریه، سلسله‌مراتب مشخصی برای مسئولیت تعیین می‌شود؛ به‌طوری‌که نویسنده به‌عنوان مسئول اصلی، مدیر و ناشر در جایگاه مسئولان بعدی و سایر افراد دخیل در فرآیند چاپ و نشر در طبقات بعدی مسئولیت قرار می‌گیرند.
- مسئولیت شخص واحد: این نظریه، مسئولیت کیفری را تنها به یک شخص خاص (نظیر

نویسنده، صاحب‌امتیاز، مدیرمسئول یا سردبیر) محدود می‌کند و سایر دست‌اندرکاران را از مسئولیت مصون می‌دارد (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷).

### دادرسی عادلانه در رویه قضایی محاکم مطبوعاتی از منظر فقهی

دادرسی عادلانه در رویه قضایی محاکم مطبوعاتی از منظر فقهی نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. اصول دادرسی عادلانه در اسلام به‌عنوان یکی از اصول اساسی و اساسی در فقه قرار دارد و باید در همه امور و موارد دادرسی رعایت شود. این اصول شامل عدم تحقیق ناعادلانه، عدم محاکمه خلاف قوانین و مقررات مذهبی عدم تبعیض بر اساس اعتقادات، جنسیت، نژاد، ملیت و مذهب، آگاهی از حقوق و تکالیف فرصت دفاع مناسب و اطلاع از روند دادرسی و تصمیمات قضایی است. این اصول بر اساس عدالت و انصاف در اسلام باید رعایت شوند تا حقوق انسانی حفظ شود و عدالت اجرا شود.

### خصوصیات ویژه دادرسی در جرائم مطبوعاتی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان دادگاه خاصی به نام دادگاه مطبوعات وجود ندارد و رسیدگی به تخلفات و جرائم مطبوعاتی همانند سایر جرائم و در محاکم صالح به شرح ذیل صورت می‌گیرد. برای شناخت مرجع صالح در خصوص شکایات از مطبوعات در حقوق انگلستان باید از یک طرف بین تخلفات و جرائم مطبوعاتی و از طرف دیگر بین دعاوی ناشی از خطای مدنی و جرائم مطبوعاتی قائل به تفکیک شد (بولک، ۱۳۷۷: ۶۳-۶۲). در خصوص تخلفات مطبوعاتی و مصادیق، آن یک کمیسیون شکایت مطبوعاتی در نظر گرفته شده است تا به شکایت مردم از تخلفات و عدول از معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای مطبوعات رسیدگی کند. شروع رسیدگی در این کمیسیون نیاز به شکایت دارد و با پذیرش صلاحیت این کمیسیون، مطبوعات از خطر اعمال قوانین موضوعه و محاکم دادگاه‌ها رهایی می‌یابند (داوید، 1369: ۲۴).

در حقوق انگلستان دعاوی ناشی از خطای مدنی معمولاً در دادگاه‌های مدنی مانند دادگاه‌های شهرستان یا دادگاه‌های بخش مورد رسیدگی قرار می‌گیرند خطای مدنی مهم‌ترین آن‌ها هتک حرمت است که در دادگاه شهرستان مورد بررسی قرار می‌گیرد آراء دادگاه‌های شهرستان و بخش قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر مدنی هستند و در شرایط خاص ممکن است این آراء به مجلس اعیان ارجاع شود و توسط پنج لرد حقوقدان بررسی شود. رسیدگی به جرائم مطبوعاتی مانند افشای اسرار محرمانه یا تحریک به عداوت‌های نژادی در دادگاه جزا انجام می‌شود درحالی‌که جرائم کم‌اهمیت مطبوعاتی در دادگاه صلح (دادسرا) بررسی می‌شوند آراء دادگاه صلح و دادگاه جزا قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر می‌باشد و

امکان ارجاع پرونده‌ها از دادگاه جزا به دادگاه شهرستان و از دادگاه شهرستان یا دادگاه تجدیدنظر به مجلس اعیان وجود دارد. (شمس، ۱۳۸۲: ۴۵).

### الزامات محدودیت‌ها و شرایط حاکم بر مطبوعات در انگلستان

آزادی مطبوعات، برخلاف تصور اولیه، مطلق نبوده و همواره با مصالح عالیه عمومی نظیر نظم و امنیت عمومی، محدود می‌گردد. در واقع، هرگاه حفظ این مصالح اساسی ایجاب کند، دولت‌ها حتی در نظام‌های دموکراتیک، حقوق بشری و کشورهایی با بالاترین سطح آزادی مطبوعات نیز مجاز به اعمال محدودیت هستند. افزون بر این، تعهدات بین‌المللی نیز چارچوب‌هایی برای اعمال این محدودیت‌ها تعیین کرده‌اند که رعایت آن‌ها الزامی است.

محدودیت‌های آزادی مطبوعات در مواردی که تهدیدی برای امنیت کشور یا حقوق دیگر افراد وجود دارد، اعمال می‌شوند. این محدودیت‌ها، به‌خصوص در مواقعی که رعایت نظم و امنیت عمومی اولویت می‌یابد، توسط دولت‌ها تعیین می‌گردند. در کشورهایی که از آزادی مطبوعات برخوردارند، این محدودیت‌ها عمدتاً در قالب نظام تنبیهی پس از انتشار (نه سانسور پیش از انتشار) مطرح می‌شوند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶) در مواد ۱۹ و ۲۰ خود و سایر عهدنامه‌های بین‌المللی نیز محدودیت‌هایی را برای آزادی بیان و مطبوعات پیش‌بینی کرده‌اند که کشورهای عضو ملزم به رعایت آن‌ها هستند.

در نظام‌های حقوقی انگلستان، این محدودیت‌های قانونی با هدف حفظ امنیت و نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی و همچنین جلوگیری از تبلیغ برای جنگ و دعوت به کینه و تبعیض نژادی اعمال می‌شوند. در انگلستان، کمیسیون شکایات مطبوعاتی در این زمینه نقش دارد. ضروری است که این محدودیت‌ها به‌گونه‌ای اعمال شوند که به آزادی مطبوعات خدشه‌ای وارد نکرده و جامعه را از مسیر دموکراتیک خارج نسازند. اعمال این محدودیت‌ها تنها باید با هدف حفظ حقوق و آزادی‌های دیگران، رعایت اخلاقیات و نظم عمومی و تأمین رفاه عمومی در یک جامعه دموکراتیک صورت پذیرد. لازم به ذکر است که سانسور به معنای کنترل پیشینی، مصداق محدودیت‌های حقوقی نبوده و تمامی اقدامات در این زمینه باید با رعایت قوانین و مقررات مربوطه انجام شود. هرگونه اقدامی که مغایر با این محدودیت‌های حقوقی باشد، در هر دو کشور ایران و انگلستان ممنوع اعلام شده است (عقیقی، ۱۳۸۳: ۱۴).

اما محدودیت‌های اجباری در انگلستان که به‌صورت تطبیقی با نظام حقوقی ایران بررسی می‌شود

به‌غیر از محدودیت‌های کلی قانونی مانند (جرایم کیفری و مدنی) عبارت‌اند از:

الف) عدم قباح‌ت بیان و افترا

ب) محدودیت‌های راجع به کودکان (مومنی‌راد و ارین، 1392: 95)

### آیین دادرسی جرائم مطبوعاتی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان وجود یک قانون مدون جامع و فراگیر در ارتباط با مطبوعات و تنظیم حقوق و محدودیت‌های رسانه‌ها وجود ندارد مطبوعات مشمول قوانین و رویه‌های متفرقه‌ای هستند که مختص مطبوعات نیستند در حقوق انگلستان جرم خاصی به نام جرم مطبوعاتی وجود ندارد، بلکه مطبوعات ممکن است وسیله ارتکاب جرائمی شوند که موضوع حقوق عمومی است. از اواسط قرن نوزدهم گرایش به اعمال یک نظام خاص حقوقی در مورد مطبوعات در انگلستان افزایش یافته است. در این حقوق مصادیق خاصی از جرائم نظیر اخلال در روند دادرسی یا افشای اسرار محرمانه به دلیل نیاز به عنصر، انتشار تبدیل به جرم خاص مطبوعاتی شده است به‌عنوان مثال در مورد اتهام افتراء متهم باید ثابت کند که هدف انتشار مطالبش لطمه به شخص افترا دیده نبوده، بلکه در راه تأمین منافع عمومی بوده است. این نشان می‌دهد که در حقوق، انگلستان قوانین مربوط به مطبوعات به تدریج شکل‌گیری می‌یابد و ممکن است بر اساس شرایط و مصادیق مختلف تغییر کند. (شکرچی‌زاده، 1394: 67-68؛ برمینخام، 1388: 700-72؛ اسپنسر، 1384: 33).

### رویه قضایی در حقوق انگلستان

در نظام حقوقی انگلیس، تصمیمات قضایی صادره از سوی دادگاه‌های عالی به‌عنوان سابقه قضایی شناخته می‌شود و بر اساس اصل کامن‌لا، دادگاه‌های پایین‌تر موظف‌اند در موارد مشابه به این تصمیمات پایبند باشند. این اصل که به‌عنوان «دکترین سابقه قضایی» نیز شناخته می‌شود، تضمین می‌کند که رویه قضایی یکپارچه و قابل پیش‌بینی باشد و از تکرار تصمیمات مشابه در پرونده‌های همسان جلوگیری می‌کند. احترام به آراء قضایی پیشین نه تنها به توسعه نظام حقوقی کمک می‌کند، بلکه به دادگاه‌ها در اتخاذ تصمیمات منصفانه و مستدل راهنمایی می‌نماید. برای مثال، دادگاه‌های انگلیس در پرونده‌های مرتبط با آزادی مطبوعات، اغلب به سوابق قضایی مانند پرونده‌های مشهور «رینولدز علیه تایمز» یا «دری شایر علیه ساندرز» استناد می‌کنند تا موازنه بین آزادی بیان و حمایت از حقوق افراد را حفظ کنند. این رویکرد که ریشه در سنت حقوقی کامن‌لا دارد، نشان‌دهنده تعهد نظام قضایی انگلیس به ثبات و انسجام حقوقی است (هاشمی، 1382: 440).

در مرحله اول که تا قرن نوزدهم ادامه داشت احترام به آراء سابق جنبه قانونی نداشت بلکه تبعیت از آراء سابق بدین گونه توجیه می شد که آراء سابق صحیحاً صادر شده چراکه حتی اگر قاضی فعلی در آن زمان وجود می داشت به همان نتیجه ای می رسید که قاضی قبلی حکم کرده است. در مرحله دوم که از زمان قرن نوزدهم شروع شد قضات به لحاظ حقوقی ملزم به تبعیت از رویه های قبلی شدند و تبعیت از آراء سابق از مشخصه های اصلی کامن لا است خصیصه الزام آور بودن سوابق قضایی در نظام های کامن لا اولیه وجه ممیزه آن نظام با نظام های حقوق قاره ای<sup>۱</sup> است.

تفاوت اول آنکه به دلیل اینکه نظام های حقوقی مدون مبتنی بر قوانین و کدهایی هستند که به لحاظ تئوری و نظری کامل هستند و منبع و سرچشمه قواعد حقوقی می باشند و آراء قضایی در این سیستم ها در توسعه حوزه های معینی از حقوق مؤثر می باشند در حالی که در نظام کامن لا پایه اصلی حقوق قضایی استوار است در رابطه با خصیصه مزبور قاضی پارک در سال ۱۸۳۳ م چنین مقرر داشتند که نظام حقوقی کامن لای ما عبارت است از اعمال و اجرای آن قواعد حقوقی که ما از اصول قانونی و سوابق قضایی استخراج کرده ایم نسبت به شرایط و اوضاع و احوال جدید به منظور نائل شدن به هماهنگی یکپارچگی استحکام ثبات و حتمیت ما باید تا جایی که آن قواعد به طور صریح و روشن غیر معقول و نامناسب و غیر مقتضی نیستند آن ها را اعمال کنیم و نمی توانیم دلخواهانه آن سوابق قضایی را رد کنیم (مدنی، ۱۳۷۰، ص ۳۲۴).

تفاوت دوم اینکه رویه قضایی در نظام کامن لا نتیجه استدلال استقرایی است به این مفهوم که اصول کلی حقوقی در نتیجه تطبیق و مطالعه تعداد زیادی از تصمیمات علی حده در مورد حقوق غیر مدون یا در مورد تفسیر مقررات قانونی پدیدار می شود در حالی که در حقوق نوشته ابتدا قواعد کلی وضع می گردد و سپس نسبت به موارد خاص اعمال می شود. در واقع در این نظام حقوقی حکم مسائل از طریق قیاس مشخص می شود رویه قضایی در حقوق انگلستان مفسر قوانین موضوعه و یا سازنده قواعد حقوق است. با توجه آنچه تاکنون پیرامون سابقه قضایی توضیح دادیم مشخص می شود که منظور در این مقاله رویه قضایی سازنده اصول و قواعد حقوقی است پس از توضیحاتی که راجع به سابقه قضایی دادیم برای واضح شدن بهتر مفهوم این اصطلاح لازم است برخی از اصطلاحات مشابه در حقوق انگلستان را نیز بررسی کنیم که از جمله آن ها اصطلاح (case-law) یا حقوق موردی یا حقوق پرونده ای است.

<sup>1</sup> Countinental System

حقوق موردی یا پرونده‌ای متشکل از قواعد حقوقی است که توسط قضات هنگام اتخاذ یا صدور حکم ایجاد شده است و قضات در پرونده‌های بعدی باید به این قواعدی که در پرونده‌های قبلی ایجاد شده توجه کنند، (مدنی، ۱۳۸۱: ۳۲۰).

منظور از قاعده سابقه عبارت است از اینکه تصمیم دادگاه‌های عالی دادگاه‌های پایین‌تر و در مواردی خود آن دادگاه را مکلف می‌نماید که در موارد مشابه در آینده قاعده پذیرفته‌شده در آن تصمیم را مراعات نمایند درست همانند حقوق ما که رعایت قانون اساسی و عادی برای کلیه دادگاه‌ها الزام‌آور است در حقوق انگلستان نیز برای مثال رعایت قاعده حقوقی را که به مناسبت دعوی مطروحه توسط مجلس اعیان که در رأس سلسله‌مراتب سیستم حقوقی انگلستان قرار دارد، استخراج می‌شود و سابقه می‌گردد برای کلیه دادگاه‌های تالی الزام‌آور است. قاعده سابقه تنها زمانی تواند ظهور کند که دو مورد محقق گشته باشد:

- سلسله‌مراتب درجات قضایی و به‌طور کامل نظام قضایی به نحو ثابت و مستقر.

- سیستم گزارش‌نویسی منظم و مرتب

در نظام حقوقی انگلیس با توجه به اینکه قوانین آیین دادرسی مصوب ۱۸۷۵-۱۸۷۳م یک هرم مناسبی از مراجع قضایی را ایجاد کرد و قانون ۱۸۷۶م مجلس اعیان را به‌عنوان مرجع نهایی پژوهش مشخص کرد این سلسله‌مراتب وجود داشت و از طرفی با توجه به اینکه در اواسط قرن نوزدهم گزارش‌نویسی کارآمدتر و مفیدتر انجام شد شرط دوم نیز تحقق یافت. (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۹۹)

نکته بسیار مهمی در انتها لازم به ذکر است این موضوع است که اجرای اصل عدالت تمامی قلمروهای قضایی جهان اقتضاء نماید که پرونده‌های مشابه به نحو مشابهی نیز تصمیم‌گیری شوند و از طرفی قضات نیز تقریباً در تمام حوزه‌های قضایی به صدور احکامی که در پرونده‌های مشابه توسط قضات دیگر مورد تصمیم‌گیری واقع شده است متمایل‌اند ولی این مسئله در نظام حقوقی انگلستان به‌ویژه از قرن نوزدهم به بعد نتیجه یک مسئولیت مطلق برای پیروی از احکام سابق در صورت فقدان توجیه و عدم ارائه دلیل موجه برای عدول از آن حکم می‌باشد با عنایت به مباحثی که تاکنون در مورد رویه قضایی مطرح کرده‌ایم به نقش مهم رویه قضایی در حقوق انگلستان پی بردیم و با توجه به موارد ذیل اهمیت رویه قضایی در سیستم حقوقی انگلیس برای ما بیشتر آشکار می‌شود. دهد که

۱ - سیر تشکیل و تکوین حقوق در انگلستان و بررسی تاریخی حقوق انگلیس نشان می‌دهد، حقوق انگلیس در جریان عمل ایجاد شده و از طریق آراء قضایی که تشکیل سابقه قضایی می‌دهند شکل گرفته

است ضمن اینکه اصل احترام به سابقه قضایی نیز در آنجا پذیرفته شده و همین خود بیانگر اهمیت رویه قضایی در حقوق انگلیس است.

2 - عمده‌ای از مؤلفان انگلیسی در نوشته‌های خود به اهمیت زیاد رویه قضایی اشاره نموده‌اند از جمله بتام که حقوق انگلیس را حقوق ساخته قضات می‌داند و سر فردریک پلک که معتقد است حقوق را با مطالعه مجموعه آراء قضایی و تبعیت مباحثات حقوقی در دادگاه‌ها، آموخته است.

3 - از مقایسه نظام حقوق نوشته با کامن‌لا مشخص می‌گردد که برخلاف نظام‌های نوشته که قانون در درجه اول اهمیت قرار دارد در نظام کامن‌لا مجموعه آراء قضایی مهم‌ترین منبع سازنده حقوق است. (مدنی، ۱۳۸۱: ۳۳۴).

### بررسی و تطبیق رویه قضایی در محاکم مطبوعاتی در حقوق ایران و انگلستان

اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با تصریح بر اصل آزادی مطبوعات در کسب، پردازش و انتشار اطلاعات، این حق را به رسمیت می‌شناسد. با این حال، این اصل به صورت مشروط و مقید، محدودیت‌هایی را در راستای حفظ موازین اسلامی و حقوق عمومی وضع نموده است. بر این اساس، انتشار اطلاعاتی که مغایر با شریعت اسلام یا منافع عمومی جامعه باشد، از شمول این اصل خارج شده و حکومت موظف به تعیین حدود و ضوابط آن است. این رویکرد، تعادلی حقوقی میان آزادی بیان و ضرورت‌های اجتماعی و دینی برقرار می‌سازد.

ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، به عنوان یکی از محوری‌ترین مقررات حاکم بر فعالیت رسانه‌ها در ایران، محدودیت‌های قانونی در زمینه کسب و انتشار اطلاعات را تشریح می‌کند. بر اساس این ماده، انتشار محتوای جلسات غیرعلنی دادگاه‌ها و همچنین بازجویی‌های قضایی بدون مجوز قانونی، به صراحت ممنوع اعلام شده است. این محدودیت‌ها با هدف حفظ اسرار دادرسی، حقوق متهمان و حفظ نظم عمومی وضع گردیده است. همچنین، تبصره ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به صورت خاص‌تر، ضبط و انتشار محتوای دادرسی‌ها را ممنوع کرده است. این تبصره تأکید می‌کند که هرگونه اقدام به ضبط صدا یا تصویر از جلسات دادگاه، بدون مجوز مراجع قضایی، مخالف قانون محسوب شده و قابل پیگرد است. این مقرر، همسو با ماده ۶ قانون مطبوعات، نشان‌دهنده رویکرد نظام حقوقی ایران به حفظ حریم خصوصی دادرسی و صیانت از فرآیندهای قضایی است.

در نظام حقوقی انگلیس، مسئله عدم وجود مقررات شفاف یا ضمانت اجرایی در زمینه فعالیت‌های مطبوعاتی و قضایی، از طریق بند ۹ قانون اهانت به دادگاه ۱۹۸۱ مورد توجه قرار گرفته و به صورت

شفاف تنظیم شده است. بر اساس این بند، در موارد زیر، رفتارهای مرتبط با ضبط و انتشار محتوای دادرسی‌ها، توهین‌آمیز تلقی می‌شوند:

۱. استفاده یا حمل دستگاه‌های ضبط صوت یا سایر ابزارهای مشابه، مگر در مواردی که دادگاه صریحاً اجازه داده باشد.

۲. انتشار مکتوب یا پخش عمومی گفتگوهای ضبط‌شده از جلسات دادگاه، بدون مجوز قانونی.

۳. هرگونه ضبط غیرمجاز از فرآیندهای دادرسی که ناقض شرایط مندرج در مجوز صادرشده توسط دادگاه باشد. علاوه بر این، مکانیسم اعطای مجوز در این نظام حقوقی به صورت پویا طراحی شده است: - مجوز می‌تواند مستقیماً توسط دادگاه صادر یا لغو شود.

- دادگاه این اختیار را دارد که شرایط خاصی را به مجوز ضمیمه کند یا در صورت لزوم، آن را تغییر یا لغو نماید.

این رویکرد، نشان‌دهنده تعادل دقیق میان آزادی رسانه‌ها و ضرورت حفظ اقتدار و حریم دادگاه‌ها در نظام حقوقی انگلیس است.

۳ - در صورت تخلف در شرایط مندرج در بند ۱، دادگاه دستور توقیف دستگاهی را که صدا یا تصویر یا عکس با آن ضبط شده است صادر می‌کند و دستگاه موردنظر تحت نظر فروخته می‌شود. دادگاه.

۴ - این بند مشمول ضبط مذاکرات برای استفاده از رونوشت رسمی آن در دادرسی نیست. طبق قوانین انگلستان و بر اساس بخش ۹ (۱) قانون افترا حتی حمل این نوع تجهیزات ممنوع و جرم محسوب می‌شود علاوه بر این بر اساس بخش ۴۲ قانون عدالت کیفری انگلستان ۱۹۲۵ گرفتن عکس نقاشی پرتره و عکس در دادگاه بدون اجازه نیز جرم است. بر اساس قوانین ایران و انگلیس، امکان اخذ مجوز ضبط از دادگاه وجود دارد ضبط صدا به صورت غیرقانونی در دادگاه جرم مطلق محسوب می‌شود و نیازی به نتیجه ندارد.

قبل از تصویب قانون اهانت به دادگاه در سال ۱۹۸۱ جرم اهانت به دادگاه به‌عنوان یک جرم ماهوی عادی تلقی می‌شد؛ اما پس از تصویب این قانون، مسئولیت مطلق در این زمینه تنها محدود به مطبوعات و رسانه‌ها شد. در حقوق انگلستان، با ایجاد قاعده مسئولیت مطلق، اعمالی که دادگاه را تحقیر کند، به‌عنوان تحقیر کیفری تفسیر و ارزیابی می‌شود. این قانون با پیش‌بینی دفاع مؤثر برای متهم، به مشکلات مربوط به اهانت به دادگاه پاسخ داد. انتشار دادرسی در برخی موارد مصداق اهانت به دادگاه است و قانون انگلستان این امکان را فراهم آورده تا برای جلوگیری از آسیب رسیدن به روند عدالت، انتشار دادرسی به حالت تعلیق درآید.

در قوانین جزایی ایران، انتشار مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه توسط رسانه‌ها یکی از چالش‌های قانونی است. هرچند این امر در برخی موارد تحت پوشش موادی از قانون مجازات اسلامی قرار می‌گیرد، اما در صورتی که حق نشر محتوای حکم قطعی توسط رسانه‌ها تأیید نشده باشد، این اقدام ممکن است تحت پیگرد قانونی و مجازات بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری قرار گیرد.

در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، انتشار غیرقانونی مذاکرات و ارزیابی‌های دادگاه‌ها پیش از صدور حکم قطعی، جرم تلقی می‌شود. در انگلستان، مطبوعاتی که چنین اطلاعاتی را منتشر می‌کنند، تحت قاعده مسئولیت مطلق قرار گرفته و ممکن است منجر به تعقیب کیفری شوند. ارتکاب جرم اهانت به دادگاه در این کشور، زمانی محقق می‌شود که این اقدامات بین دستور دستگیری و صدور حکم قطعی روی دهد.

ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ایران، به موضوع انتشار غیرقانونی مشخصات طرفین دعوی، متهم یا مفاد حکم قطعی می‌پردازد و آن را در حکم افترا تلقی می‌کند. باین‌حال، تفاوت مفاد ماده ۶۹۷ و ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی در مورد افترا (لفظی و عملی)، این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا جرم ماده ۳۵۳ به‌طور مستقل قابل تحقق است یا خیر. این ابهام ممکن است ناشی از سهل‌انگاری قانون‌گذار باشد، اما به نظر می‌رسد رفتار رسانه‌ها در این زمینه با افترا لفظی سازگارتر است. مجازات ماده ۶۹۷ تنها برای نویسنده مقاله و سردبیر رسانه قابل اعمال است. در مورد مسئولیت کیفری شخص حقوقی رسانه‌ها نیز، باید به قواعد عمومی قانون جزا مراجعه شود.

انگلیس در قانون ۱۹۸۱ در مورد اهانت به دادگاه و محدودیت‌های مجازات در دادگاه‌های عالی و دادگاه‌ها صحبت می‌کند ماده ۱۴ این قانون تعیین می‌کند که در صورت محاکمه جرم اهانت به دادگاه در دادگاه‌های بالاتر مجازات مجرم نباید بیش از ۲ سال حبس باشد. هرچند در شرایط خاص ممکن است این مجازات کاهش یابد اما دیوان عالی بریتانیا از نظر کاملاً هیچ محدودیتی در صدور جزای نقدی ندارد در مواردی که جرم توهین توسط دادگاه تالی مورد بررسی قرار می‌گیرد، دادگاه تالی می‌تواند مجازات حبس تا یک ماه یا جریمه نقدی تا ۲۵۰۰ پوند را تعیین کند.

### نتیجه‌گیری

مقایسه آیین دادرسی جرائم مطبوعاتی در ایران و انگلستان نشان می‌دهد که نقش هیئت‌منصفه در دادرسی مطبوعاتی ایران تا حدی از آیین دادرسی انگلستان الهام گرفته است. باین‌حال، به دلیل تفاوت‌های ماهوی دو نظام حقوقی، نحوه تشکیل و عملکرد این نهاد در هر کشور متفاوت است.

در نظام حقوقی ایران، استفاده از هیئت‌منصفه فقط در جرائم سیاسی و مطبوعاتی پیش بینی شده و حضور این هیات در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی بر مبنای حمایت از آزادی‌های سیاسی و مطبوعاتی مندرج در قانون اساسی می باشد. پیش بینی چنین سازوکاری مانع از تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در دست قضات شده و از این طریق، از حقوق بنیادین افراد در حوزه مطبوعاتی پاسداری می‌نماید. باید توجه داشت که جرائم مطبوعاتی ماهیتی پیچیده و تعبیر پذیر دارند که می‌تواند منجر به برداشت‌های متفاوتی شود. لذا عرف و وجدان اجتماعی می‌تواند در تشخیص مصادیق این نوع از جرائم نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و از این نظر، مشارکت هیئت‌منصفه در فرآیند رسیدگی به جرائم مطبوعاتی در حقوق ایران نه تنها مفید، بلکه ضروری بوده و تضمینی است که آراء صادره در جرائم مطبوعاتی، بازتابی از وجدان جمعی جامعه باشند.

در حوزه قوانین کیفری، هر دو کشور ایران و انگلستان، به منظور حفظ امنیت و عدالت در دادرسی‌ها، ممنوعیت‌هایی را برای ضبط و انتشار غیرقانونی پرونده‌های دادگاه وضع کرده‌اند. در انگلستان، «اهانت به دادگاه» جرم تلقی می‌شود، درحالی‌که در ایران، انتشار اطلاعات هویتی افراد بدون اجازه ممنوع است. نکته قابل توجه این است که آزادی عمل مطبوعات در ایران گسترده‌تر به نظر می‌رسد، اما با محدودیت‌های دقیق‌تری نیز همراه است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده نگاه متفاوت این دو کشور به اصل آزادی مطبوعات است. از سوی دیگر، رسانه‌های انگلستان به دلیل احتمال محکومیت‌های مالی سنگین توسط هیئت‌منصفه در دعاوی خطای مدنی، اغلب از ورود به فرآیند محاکمه اجتناب می‌کنند. تعریف جرم مطبوعاتی و مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی به آن نیز در دو نظام متفاوت است. در انگلستان، تعریف مشخصی از جرم مطبوعاتی وجود ندارد و دادگاه خاصی برای این موارد پیش‌بینی نشده است؛ دعاوی ناشی از خطای مدنی نیز در دادگاه‌های مدنی رسیدگی می‌شوند. این در حالی است که در ایران، دادگاه کیفری مرجع صالح برای رسیدگی به جرائم مطبوعاتی است. با وجود این تفاوت‌ها، هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان از هیئت‌منصفه برای نظارت و مشورت در جرائم مطبوعاتی استفاده می‌کنند.

همچنین، از منظر فقهی، اصول دادرسی عادلانه در رویه قضایی محاکم مطبوعاتی باید بر پایه عدالت و انصاف در اسلام رعایت شود تا حقوق و تکالیف هر فرد به‌طور کامل شناسایی و اجرا شده و از تبعیض و سوءاستفاده جلوگیری شود. این اصول، برای حفظ حقوق انسانی و اجرای عدالت در جامعه، از اهمیت بنیادین برخوردارند و می‌بایست در تمامی مراحل دادرسی به‌طور کامل رعایت گردند.

## فهرست منابع

- احمدی، حبیب‌الله. (۱۳۹۵). آزادی مطبوعات در نظام حقوقی ایران تهران مجد.
- اسپنسر، جان ریسن. (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری در انگلستان. مترجم: لیلا مقدادی، محمدرضا گودرزی بروجردی. تهران: جنگل.
- استفانی، گاستون؛ ژرژ لواسور؛ بولوک، برنار. (۱۳۷۷). قانون آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- افشار، حسن. (۱۳۴۱). کلیات حقوق تطبیقی تهران کیهان.
- انصاری، مسعود محمدعلی طاهری. (۱۳۸۴). دانشنامه حقوق خصوصی تهران: انتشارات محراب فکر چاپ اول، جلد دوم.
- بردیبار، محمدحسن. (۱۳۸۴). درآمدی بر حقوق ارتباط جمعی تهران: ققنوس، چاپ دوم
- برمینخام، ورا. (1388). شبه جرم و مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس. مترجم: سید مهدی موسوی. تهران: میزان.
- پیمانی، ضیاءالدین. (۱۳۷۵) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان چاپ دوم.
- چندی، لعیا. (۱۳۸۲)، آزادی اندیشه و بیان، تهران: دانشگاه تهران.
- داوید، رنه. (۱۳۶۹). نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر. ترجمه حسین صفایی، محمد آوری، عزت‌الله عراقی تهران: دانشگاهی.
- شکرچی زاده، محسن. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری انگلستان. تهران: مجد.
- شکری، جهانشاه. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری منطبق با قانون آیین دادرسی کیفری جدید و سرفصل‌های آموزشی دانشگاه‌ها: صلاحیت دادگاه‌های کیفری، دادرسی، اجرای احکام کیفری. تهران: جنگل.
- شمس، آیین دادرسی مدنی. (۱۳۸۲): تهران، میزان، ۱۳۸۱، چاپ دوم، ج ۱.
- شمس، عبدالله. (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین تهران: انتشارات دراک، چاپ سوم، جلد اول.
- طباطبائی، یزدی سید محمدکاظم. (۱۳۳۷-۱۲۴۷ق). غایه القصوی فی ترجمه عروه‌الوثقی، ترجمه شیخ عباس قمی، تهران: نشر دینا، ۱۳۹۲.
- عقیقی، ابراهیم. (۱۳۸۳). جرم مطبوعاتی، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). مقدمه‌ی علم، حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- کوشا، جعفر و کرمی، سعید. (1385). جرایم مطبوعاتی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات (تهران).
- گارو. (۱۳۹۰). مطالعات نظری و عملی در حقوق جزاء ترجمه سید ضیاءالدین نقابت، تهران: ابن‌سینا، چاپ چهارم، ج ۳.
- مدنی سید جلال‌الدین. (۱۳۸۱). مبانی و کلیات علم، حقوق، تهران، پایدار، ۱۳۷۷، چاپ ششم.
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۷۰). تکلیف آراء وحدت رویه لازم الاتباع از نظر تطبیق با قانون اساسی و موازین شرع مجله قضایی و حقوقی دادگستری ش ۱.
- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۸۱). رویه قضایی تهران پایدار، چاپ پنجم ۱۳۸۵.
- مرتضوی، سعید. (۱۳۸۶). جرائم، مطبوعاتی تهران شرکت چاپ و نشر بین‌المللی، چاپ دوم.
- معاونت آموزش قوه قضائیه. (۱۳۸۷). بررسی تحلیلی جرائم مطبوعاتی تهران: انتشارات جاودانه.
- معلم‌نژاد، کاظم. (۱۳۸۲). حقوق مطبوعات، تهران مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها چاپ سوم، ج ۱ هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۲). حقوق اساسی تهران میزان، ج ۲.
- مومنی‌راد، احمد و پتفت، ارین. (1392). مقایسه تطبیقی محدودیت‌های حاکم بر آزادی مطبوعات در نظام حقوقی ایران و انگلستان، مطالعات حقوق بشر اسلامی پاییز و زمستان، سال دوم- شماره 5 رتبه: علمی-ترویجی 89-106.
- یثربی، قمی سید علی. (۱۳۷۶). مقدمه علم حقوق و نظام جمهوری اسلامی ایران تهران نوید اسلام.